



The Function of Shaz (Irregular) Qira'at (Recitations) in Explaining and Expanding the Exegesis of the Noble Qur'an from Shi'ite and Sunni Perspectives

Syed Reza Mo'addab¹
Mohammad Ali Asadtash²

Received: 23/9/2018 | Accepted: 16/5/2018

Abstract

Shaz (irregular) Qira'at as a variety of methods in the recitation of the Noble Qur'an has not received adequate attention and review yet. Irregular recitation is a method in Qira'at which has authentic reference but is not narrated through a sound chain of transmission or Istifazah acceptable among people. Contemplation and research on these recitations can have considerable effects on Sunni and Shi'ite exegesis of the Qur'anic verses. Therefore, such recitations cannot be totally rejected or ignored. This study aims to compare irregular recitations with the regular and well-known ones and explain their function in Sunni and Shi'ite exegesis. For this purpose, the most important criteria and relevant arguments to irregular recitations and their different function in Sunni and Shi'ite exegesis of the Noble Qur'an are first reviewed; and then, some instances from these recitations along with their different effects and functions in Sunni and Shi'ite exegesis of the Holy Qur'an are displayed. Semantic explanation and expansion of the verses are of the most important functions of the abovementioned recitations for the exegesis of the Noble Qur'an. In this regard, the analysis of some irregular recitations compared to their regular counterparts can foster exegetical review of the verses and also reveal their function.

Keywords: Shaz (Irregular) Qira'at (Recitations), Regular Recitations, Sunni and Shi'ite Exegesis, Semantic Explanation, Semantic Expansion

¹Full Professor, Department of the Qur'anic Science and Hadith, University of Qom; Email | moadab_r118@yahoo.com
² Ph.D. in the Qur'anic Science and Hadith, University of Qom | masadtash@yahoo.com



جایگاه و کارکرد قرائت‌های شاذ در تبیین و توسعه معانی آیات قرآن کریم از منظر مفسران فریقین

سید رضا مؤذب^۱
محمدعلی اسدناش^۲

تاریخ ارسال: ۹۷/۰۷/۰۱ | تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۲/۲۶

چکیده

قرائت‌های شاذ و غیر مشهور، به عنوان یکی از انواع قرائت‌های قرآن کریم، کمتر مورد توجه و بازخوانی واقع شده است. قرائت شاذ، قرائتی است که سند آن صحیح، ولی به طریق تواتر و یا استفاضه که میان مردم مقبولیت دارد، نقل نشده باشد. تعمق و بازپژوهی در این قرائت‌ها، می‌تواند کارکردهای قابل ملاحظه‌ای در تفسیر فریقین از آیات قرآن داشته باشد. از این رو، نمی‌توان قرائت‌های شاذ را به طور کامل مردود و نادیده انگاشت. تبیین قرائت‌های شاذ و کارکردهای آنها در تفسیر فریقین در مقایسه با قرائت‌های مشهور، مسئله پیش رو است. بدین منظور، در این نوشتار ابتدا مهم‌ترین مؤلفه‌ها و مباحث مربوط به قرائت‌های شاذ مورد تبیین و بررسی قرار گرفته است. سپس، با ارائه شواهدی از این قرائت‌های آثار و کارکردهای مختلف آن در تفسیر فریقین از قرآن کریم نشان داده شده است. تبیین و توسعه معنایی آیات از مهم‌ترین کارکردهای قرائت‌های شاذ در تفسیر قرآن کریم است. از این رهگذر، با پردازش و تحلیل نمونه آیاتی از قرائت‌های شاذ در کنار قرائت‌های مشهور، می‌توان به نوعی بر خوانش‌های تفسیری آیات افزود و کارکرد آنها را نمایان ساخت.

واژگان کلیدی: قرائت شاذ، قرائت مشهور، تفسیر فریقین، تبیین معنا، توسعه معنا.

۱. عضو هیئت علمی و استاد تمام گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم | moadab_r118@yahoo.com

۲. دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم | masadtash@yahoo.com

۱. بیان مسئله

اختلاف قرائت در میان مسلمانان، امری بدیهی است. یکی از علوم و مقدمات مورد نیاز در تفسیر قرآن، دسترسی به قرائت صحیح از سوی پیامبر ﷺ است که به اعتقاد برخی در میان قرائت‌های مختلف پنهان است. البته قرآن دارای نص واحدی است و اختلاف قراء، بر سر به‌دست آوردن و رسیدن به آن نص واحد است.

بدون شک، همه مفسران در بیان معانی آیات قرآن نیازمند به شناخت قرائت‌های مختلف هستند؛ زیرا معنای آیه‌ای که باتوجه به یک قرائت روشن نیست، به کمک سایر قرائت‌های مشخص می‌شود و برای مفسر رجحان وجوه بعضی از معانی آیه که محتمل بر بعضی دیگر است، آشکار می‌گردد. چنان‌که قسطلانی، قاری و محدث مصری، می‌نویسد: علما همواره از قرائت یک قاری معنایی را استنباط می‌کنند که در قرائت دیگر وجود ندارد (به نقل از: زرکلی، ۱۹۸۰م، ج ۱، ۲۳۲). قرائت‌های شاذ بعد از قرائت‌های مشهور یکی از مصادر مهمی است که مفسران فریقین قرآن در کشف معانی آیات به آن اهتمام ویژه دارند، آنها را قابل استناد و اعتبار می‌دانند و در ترجیح آرای خود به آن استشهاد می‌کنند (قرشی، ۱۴۳۰ق: ۱۵).

اگرچه جایگاه قرائت‌های شاذ را به لحاظ روش تفسیری نمی‌توان در ردیف تفسیر قرآن به قرآن در نظر گرفت، ولی حداقل می‌توان مشمول روش تفسیر قرآن با سنت و صحابه محسوب کرد. ابو عبید معتقد است: همه این قرائت‌های شاذ و شبیه آن، تفسیر قرآن است. چگونگی همه روایات مشابه‌ای که از تابعین در تفسیر قرآن نقل شده قابل تحسین هستند؛ پس وقتی که این روایات از بزرگان صحابه به عنوان قرائت روایت شوند، به طور مسلم بیشتر از تفسیر معتبر خواهند بود و کمترین چیزی که از این قرائت‌های شاذ و روایات مستنبط است، شناخت تأویل و تفسیر قرآن است (ابن سلام، بی‌تا، ۱۹۵؛ زرکشی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ۳۳۶؛ سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ۲۲۸). بنابراین، اگر سند روایت و قرائت منقول از صحابه که مخالف رسم مصحف است صحیح باشد و صحابه در رفع آن به پیامبر اکرم ﷺ تصریح کنند، حکم آن در کمترین درجه اعتبار، حکم خبر واحدی است که در تفسیر قرآن از پیامبر اسلام ﷺ نقل شده است و از باب تفسیر قرآن با سنت است؛ ولی اگر به رفع آن تصریح نشود، به عنوان سخن صحابی از نوع تفسیر قرآن به قول صحابی است (بازمول، ۱۹۶۶م، ج ۱، ۱۲۹).

جایگاه و کارکرد قرائت‌های شاذ در تبیین و توسعه معانی آیات قرآن کریم از منظر مفسران فریقین | ۱۱

به همین جهت، قرائت‌های شاذ منقول و منسوب به اهل بیت علیهم‌السلام در صورت صحّت سند، در تفسیر قرآن معتبر و قابل استناد می‌باشند.

همواره مفسران؛ به ویژه مفسران سلف، به نقش قرائت‌های شاذ در تفسیر قرآن اهتمام وافری داشته‌اند، به طوری که در صدر اسلام، زمان صحابه و تابعین نیز این امر به روشنی دیده می‌شود؛ مانند روایتی که از ابن عباس نقل شده است که نافع بن الأزرق از او خواست که درباره معنی کلمه «فومها» توضیح دهد. ابن عباس گفت: فوم یعنی حنطه (گندم). نافع بن ازرق پرسید: آیا عرب آن را می‌دانند؟ ابن عباس گفت: آری. سپس به ابن ازرق گفت: هر کس این کلمه را به قرائت ابن مسعود «ثومها» قرائت کند، در این صورت به معنی متن (سیر) می‌باشد. ابن عباس معنی آیه را به قرائت ابن مسعود ارجاع می‌دهد (ر.ک: ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ۱۶۲). در پی این عنایت و اعتماد مفسران به قرائت‌های شاذ، اغراض متعددی نهفته است که می‌توان آنها را در توسعه معنایی و تبیین مقصود آیات دانست که نگارندگان در این مقاله به بررسی نمونه‌هایی از این دسته در آیات قرآن می‌پردازند و در صدد پاسخگویی به این پرسش‌اند که جایگاه و کارکرد قرائت‌های شاذ در تبیین و توسعه معانی آیات قرآن در تفسیر فریقین چگونه است؟ پژوهش حاضر با تمرکز بر تأثیر قرائت‌های شاذ در تفسیر فریقین، دارای رویکردی نوآورانه است؛ ضمن آنکه در این پژوهش، دیدگاه‌های اندیشمندان در مورد مبانی و ضوابط قرائت‌های شاذ و آرای مفسران شیعه و سنی درباره قرائت‌های شاذ که در تفاسیر خود به آنها اشاره کرده‌اند، بررسی گردیده است. همچنین، کارکرد قرائت‌های شاذ در تبیین و توسعه معانی آیات در مقایسه با قرائت‌های مشهور مورد مذاقه قرار گرفته است. و در برخی موارد ترجیح معنی قرائت‌های شاذ بر مشهور نشان داده شده است.

۲. تعریف قرائت شاذ و انواع آن

علمای علم قرائت برای قرائت شاذ تعاریف متعددی نقل کرده‌اند. بعضی براساس ضوابط سه‌گانه قرائت معتقدند: قرائت شاذ، قرائتی است که سند آن صحیح و در زبان عربی قابل توجیه، ولی مخالف رسم مصحف باشد. این تعریفی است که ابن تیمیه (ابن تیمیه، ج ۱۳، ص ۳۹۳) و ابن جزری (ابن جزری، ۱۴۰۰ق، ص ۱۶)، و قبل از آنها مکی بن ابی طالب القیسی و ابی‌شامه المقدسی (مکی، ۱۹۷۹م، ص ۳۹- ابی‌شامه، ۱۹۷۵م، ص ۱۷۲) به آن اعتماد کردند. برخی

اندیشمندان حوزه علم قرائت، قرائت شاذی را که با رسم مصحف اختلاف داشته باشد، در زمره قرائت تفسیری دانسته‌اند (ر.ک: ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ۶۴۶؛ مهدوی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ۸). برخی براساس مصادیق قرائت‌های شاذ، معتقدند قرائت شاذ عبارت است از: قرائتی که فراتر از قرائت‌های دهگانه باشد (قابه، ۱۹۹۹م، ۲۰۲). نیز، گروهی از علمای فقه و اصول اهل سنت، که تواتر را در قرائت‌های سبع خلاصه کردند، غیر از قرائت‌های سبع را، شاذ می‌دانند (ر.ک: نووی، ۱۴۰۳ق، ۵۰). برخی دیگر، به حصر تواتر در قرائت‌های عشر و شاذ در قرائت‌های غیر عشر معتقدند (عبدالوهاب سبکی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ۲۳۱).

به‌طور کلی قرائت‌های شاذ در میان اندیشمندان، به معنای تخطی از قرائت جمهور (متواتر) است (سخاوی، ۱۴۰۸ق، ۳۲۲). ابن صلاح معتقد است: قرائت شاذ، قرآن منقولی است که به طریق متواتر و مستفیض که مردم مقبولیت آن را پذیرفتند، نقل نشده باشد (ابی شامه، ۱۹۷۵م: ۱۸۴؛ زرکشی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ۳۳۲). از تعاریف اندیشمندان درباره قرائت شاذ، سه ویژگی فقدان تواتر، عدم استفاضه و مقبولیت بین مردم استخراج می‌شود. این سه ویژگی در تعریف قرائت شاذ را به جمهور علما نسبت می‌دهند (ر.ک: نویری، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ۱۳؛ اُبی سهل، ۱۳۷۲ق، ج ۱، ۲۷۹).

بدین ترتیب، در میان تعاریف مختلف علما، آنچه ابن صلاح درباره قرائت شاذ بیان می‌کند، با اندکی اغماض تعریفی است جامع و مانع که به نوعی نقص و ضعف سایر تعاریف‌های قرائت شاذ را رفع می‌کند. تعریف ابن صلاح، بدون اشاره به ضعف سند و یا مخالفت با رسم المصحف، تنها با نفی طریق تواتر در نقل قرائت‌های شاذ، مجموع قرائت‌های شاذ منقول از قراء عشر و غیر عشر را دربرمی‌گیرد و وجود قرائت‌های شاذ با سند صحیح و موافق با رسم المصحف را تأیید می‌کند.

با بررسی قرائت‌های مختلف شاذ می‌توان این قرائت‌ها را بر سه نوع تقسیم کرد: ۱. قرائت شاذ مشهور: قرائت شاذی که با زبان عربی و رسم مصحف موافقت دارد و سند آن صحیح است، ولی به حد تواتر نرسیده باشد؛ مانند قرائت پیامبر □ درباره «انفسکم» با فتح فاء در آیه ۱۲۸ سوره توبه (اندلسی، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ۱۱۸؛ دمیاطی، ۱۴۰۷ق: ۲۴۶). ۲. قرائت شاذ آحاد: این نوع قرائت دو قسم دارد: قسم اول، قرائتی که موافق زبان عربی و رسم مصحف

جایگاه و کارکرد قرائت‌های شاذ در تبیین و توسعه معانی آیات قرآن کریم از منظر مفسران فریقین | ۱۳

است، ولی سند صحیح ندارد، و قسم دوم، قرائتی است که با زبان عربی موافقت دارد، ولی مخالف رسم مصحف است و ممکن است دارای سند صحیح و یا فاقد سند صحیح باشد (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۷ق، ج ۹، ۲۹؛ قسطلانی، ۱۹۷۲م، ج ۱، ۷۴). ۳. قرائت شاذ مدرج: قرائت شاذی که به جهت توجیه تفسیری به آیه اضافه شده است؛ مانند قرائت سعدابن ابی وقاص در آیه «و له أخ او أخت من أم» (نساء: ۱۲) (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ۳۶۴). حقیقت این است که برای این نوع قرائت شاذ، وصف قرائت صحیح نیست؛ زیرا جز نوعی تفسیر چیز دیگری نیست (بیلی، بی تا، ۱۱۱).

۳. سیر پیدایش قرائت‌های شاذ

پیش از اینکه برای قرائت، اصول و ضوابطی تعریف گردد و قرائت‌های را به انواع مختلف تقسیم کنند، برای نخستین بار استعمال کلمه «شاذ» را در کلام نافع مدنی و محمد بن جریر طبری در روایت ابو عمرو از پیامبر اکرم ﷺ درباره قرائت آیه «لَا يَعْذِبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ» در آن روز کسی چون عذاب او عذاب نکند» (فجر: ۲۵) می‌بینیم. در شرح زندگی نافع مدنی آمده که او هنگام آموزش قرائت به شاگردانش کلمه شاذ را به معنای ترک و جدا شدن قرائت یکی از شاگردانش از قرائت جمع آنان به کار برده است (ذهبی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ۱۰۹). طبری اولین کسی است که در ابواب مختلف قرائت سخن گفته است. قرائت منتخب او مشروط به عدم مخالفت با رسم الخط مصاحف و موافقت آن با زبان عربی و مستفیض بودن است (ر. ک: مکی بن ابی طالب، ۱۹۷۹م، ۲۷).

۴. قاریان شاذ

هیچ طبقه‌ای از طبقات قراء، از وجود قاری و مقری شاذ، خالی نیست؛ از اصحاب پیامبر ﷺ آغاز و تا به امروز ادامه دارد. بنابراین، به دلیل کثرت تعداد و طول ذکر اخبار آنها، نمی‌توان در هر طبقه‌ای، قراء شاذ را به آسانی محدود کرد. نام برخی از صحابه فوق، عبارتند از: عبدالله بن مسعود، ابی بن کعب، عبدالله بن عباس، سعد بن ابی وقاص و عبدالله بن زبیر و دیگران. صاحب کتاب معجم القراءات نام برخی از قراء شاذ را بر حسب شهرهایی که زندگی می‌کردند، ذکر می‌کند (مختار عمر، سالم مکرّم، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ۱۱۷).

برخی از قراء شاذ به دلیل اختیاراتی که در قرائت دارند، اشتها دارند. از این افراد می‌توان به ابن محیسن، عیسی بن عمر ثقفی و یحیی بن ابی سلیم ابوالبلاد نحوی اشاره کرد. که ملاک اختیار آنها بر اساس مبانی و مذاهب زبان عربی است. (مسئول، عبدالعلی، ۲۰۰۷م، ۱۴۲۹ه)

طرق روایت برخی از قراء شاذ، به قرائت‌های مشهور عشر متصل است و این نشان می‌دهد که آنها قرائت‌های مشهوری را با اسانید صحیح نقل کردند. ابن جزری این قرائت‌ها را معتبر دانسته و معتقد است: امروز در دنیا صحیح‌ترین و عالی‌ترین چیزی که می‌توان یافت همین قرائت‌هاست (ابن جزری، بی تا، ج ۱، ۱۹۲) قرائت یحیی بن مبارک الیزیدی، ابن محیسن، اعمش و حسن بصری از قرائت‌های چهارگانه‌ای هستند که بعد از قرائت‌های عشر مطرح هستند (ر.ک: آلوسی، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ۷۲). ولی از آنها قرائت‌های دیگری نیز نقل شده است که علما اعتبار آنها را به دلیل وجود یکی از علل عیب و نقص در ردیف قرائت‌های شاذ دانسته‌اند.

۵. عدم تضاد قرائت‌های شاذ با قرائت مشهور

ابن جزری معتقد است: اختلاف در قرائت‌های سبعة‌ای که از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده است، اختلاف تنوع و مغایرت است، نه اختلاف تضاد و تناقض؛ زیرا وجود اختلاف تضاد در کلام الهی محال است (ر.ک: نساء: ۸۲؛ ابن جزری، بی تا، ج ۱، ۴۹؛ بزمول، ۱۹۶۶م، ج ۱، ۱۳۵).

زررقانی صاحب مناهل العرفان نیز معتقد است: تنوع و اختلاف قرائت‌ها، قائم مقام تعدد آیات است و نوعی از انواع بلاغت است؛ از جمال ایجاز شروع می‌شود و به کمال اعجاز قرآن ختم می‌شود. قرآن با تمام تنوع قرائتی که دارد، برخی از آن برخی دیگر را تصدیق، تبیین و تأیید می‌کنند (زررقانی، ۱۹۴۸م، ج ۱، ۱۴۲).

به طور کلی، در اینکه الفاظ قرآن ممکن است بر وجوهی از مقصود خدای تعالی حمل شوند، مانعی وجود ندارد تا به وجوه مختلف خوانده شود و از این طریق، معانی تکثیر می‌یابند. از این رو، بر مفسر قرآن لازم است تا اختلاف قرائت‌ها و قرائت‌های شاذ را بشناسد و در تبیین معانی آیات به کار گیرد (ابن عاشور، بی تا، ج ۱، ۵۱).

۶. بررسی حجیت قرائت‌های شاذ در تفسیر قرآن

بحث حجیت قرائت‌های شاذ در تفسیر فریقین قرآن، بحثی پردامنه و اختلافی در میان علما و مفسران است. برخی معتقدند، قرائت‌های شاذ در تفسیر قرآن حجیت ندارد (ر.ک: نووی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ۱۳۰؛ آمدی، بی تا، ج ۴، ۱۷۰). دلیل این گروه آن است که قرائت‌های شاذ به طریق آحاد نقل شده‌اند. بعضی از مخالفان حجیت قرائت‌های شاذ می‌گویند: قرائت شاذ روایت تفسیری است که اشتباهاً آن را قرآن تصور کردند و وقتی روشن شد قرآن نیست و روایت است، اعتباری ندارد (آلوسی، ۱۴۰۲ق، ۷۶). چنان‌که ابو عبید پیرامون این موضوع معتقد است: مقصود از قرائت شاذ، تفسیر قرائت مشهور و تبیین معانی آن است؛ مانند قرائت عائشه و حفصه از آیه ۲۳۸ سوره بقره: «حَافِظُوا عَلَی الصَّلَاةِ وَ الصَّلَاةِ الْوُسْطٰی...»؛ نمازها و نماز میانین را پاس دارید؛ به صورت «والوسطی صلاه العصر» (ابن سلام، بی تا، ۱۹۵).

و اما کسانی که قرائت شاذ را معتبر و استناد به آن را جایز می‌دانند، قرائت شاذ را جزئی از قرآن و زبان قرآن می‌دانند (ر.ک: سیوطی، ۱۹۸۶م، ج ۱، ۲۱۳؛ ابن عمر، ۱۴۰۶ق: ج ۱، ۹)، ولی حجیت آن را به وجود شرایطی مشروط می‌کنند؛ شرطی که همه آنها در آن اتفاق نظر دارند: صحت سند، و در تواتر مانعی که آن را دفع کند وجود نداشته باشد و اینکه مشهور باشد و مخالف رسم الخط نباشد و قرائتی قوی تر از آن وجود نداشته باشد (بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۴، ۱۶۴؛ اندلسی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ۱۲۴). قائلان به حجیت قرائت شاذ، استدلال کردند به اینکه: روایت منقول به طریق آحاد یا قرآن است و یا خبر، که هر دو موجب عمل می‌گردد؛ زیرا در هر صورت از پیامبر اکرم ﷺ شنیده شده است و از ناحیه او روایت گردیده و حجیت است (ابن قدامه مقدسی، ۱۴۰۴ق: ۶۳).

۷. کارکردهای قرائت شاذ در تفسیر

تحقیق و پژوهش در قرائت‌های شاذ و مراجعه به تفاسیر سلف، گویای این امر است که این قرائت‌ها از کارکردهای قابل ملاحظه‌ای در تفاسیر فریقین برخوردارند. در این بخش، به بررسی دو مورد از این کارکردها؛ یعنی تبیین و توسعه معانی آیات با ذکر نمونه آیاتی از قرآن کریم پرداخته شده تا بخشی از آن کارکردها نشان داده شود. شایان ذکر است، در نقل

قرائت‌های شاذ از ذکر و اعتبارسنجی سند و سلسله روایت آنها به دلیل بسیاری حجم مقاله پرهیز شده است.

۷-۱. کاربرد قرائت‌های شاذ در تبیین معنای آیات

منظور از قرائت‌های شاذ در تبیین معنای آیه عبارت است از: قرائت شاذی که به نوعی معنای آیه را توضیح می‌دهند؛ در حالی که همه معانی آیه را می‌توان بدون هیچ تضادی در یک معنا خلاصه و جمع کرد. به عبارت دیگر، قرائت شاذ در راستای معنای قرائت مشهور، مفهوم آیه را تبیین و تأیید می‌کند. در تبیین، معنای آیه با الفاظ و قرائتی متفاوت بیان می‌شود، ولی به گونه‌ای است که معنای جدید و یا متفاوتی ایجاد نمی‌گردد؛ بلکه معنای آیه توضیح و توصیف داده می‌شود. این تبیین، گونه‌های مختلفی دارد: ۱. قرابت معنوی قرائت شاذ با قرائت مشهور؛ ۲. قرابت معنوی قرائت شاذ با وجهی از معانی قرائت مشهور.

۷-۱-۱. قرابت معنوی قرائت شاذ با قرائت مشهور

گونه‌ای از قرائت‌های شاذ است که به معنای قرائت‌های مشهور، نزدیک و آن را تبیین و تأیید می‌کنند و با معنای آن قابل اجتماع هستند. برای نمونه، به آیاتی از این دست اشاره می‌شود:

آیه ۱۲۸ سوره توبه

«لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ؛ هر آینه پیامبری از خود شما بر شما مبعوث شد، هر آنچه شما را رنج می‌دهد بر او گران می‌آید. سخت به شما دل‌بسته است و با مؤمنان رئوف و مهربان است.»

قرائت‌های مشهور و شاذ آیه: طبق قرائت مشهور عموم قراء عشر، «انفسیکم» را با ضم فاء و کسر سین قرائت کردند. ولی در قرائت شاذ عبد الله بن قسیط مکی، ابن عباس، ابوالعالیه، ضحاک، ابن محیصن و محبوب از ابو عمره و یعقوب از برخی طرق دیگر و همچنین فاطمه رضی الله عنها و عائشه، «انفسیکم» را با فتح فاء و کسر سین قرائت کردند (ابن جنی، ۱۹۶۶م، ج ۱، ۳۰۶؛ اندلسی، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ۵۳۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۵، ۱۲۸).

جایگاه و کارکرد قرائت‌های شاذ در تبیین و توسعه معانی آیات قرآن کریم از منظر مفسران فریقین | ۱۷

معنای قرائت‌های آیه: بنا به قرائت جمهور، «أَنْفُسِكُمْ»؛ یعنی پیامبر اکرم ﷺ از خود شماسست و از غیر شما نیست. براساس قرائت شاذ، «أَنْفِسِكُمْ»؛ یعنی از بهترین شماسست؛ شبیه این سخن عربی «هذا انفس المتاع»، یعنی نیکوترین و بهترین کالا. از مشتقات این لفظ، کلمه «نفس» است؛ یعنی آنچه در انسان شریف است و شرافت دارد (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ۵، ۱۲۸).

تحلیل تفسیری آیه

در مورد تفسیر «من أَنْفُسِكُمْ» با ضم فاء چهار دیدگاه بیان شده است: ۱. یعنی از میان همه عرب. ۲. از کسانی است که شما او را می‌شناسید و با او آشنایی دارید. ۳. ولادت و تولد پیامبر اکرم ﷺ به رسم جاهلیت نیست؛ بلکه از راه نکاح مشروع متولد شدند (همان، ۱۳۰). ۴. اینکه پیامبر اکرم ﷺ بشری از نوع شماسست، و مانند همه شما زندگی طبیعی دارد بدیهی است شما در این شرایط می‌توانید او را بهتر بفهمید و درک کنید و تأکیدی است به اینکه او حجت خداست بر شما انسان‌هایی که در روی زمین زندگی می‌کنند. (ابن جوزی، ۱۴۲۲ق: ج ۲، ۳۱۴).

فخررازی ضمن ذکر صفات پنج گانه رسول اکرم ﷺ در این آیه، در توصیف «من انفسکم»، وجوه چهار گانه‌ای را بیان می‌کند. درباره وجه چهارم می‌نویسد: مقصود از «من انفسکم»، توجه به طهارت و پاکی رسول اکرم ﷺ است؛ گویا گفته شود: پیامبر از قبیله شماسست که او را به راستی و امانت‌داری و عفاف و صیانت می‌شناسید. وی در ادامه می‌نویسد: «من انفسکم» را پیامبر اکرم ﷺ و فاطمه علیها السلام و عائشه «من اشرافکم و من افضلکم» قرائت کردند (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۶، ۱۷۹). به نظر می‌رسد، قرائت «من اشرافکم و من افضلکم» تفسیر و تأکیدی است بر قرائت شاذ «من أَنْفِسِكُمْ»، همان گونه که صاحب تفسیر البرهان پس از اشاره به قرائت شاذ «من أَنْفِسِكُمْ»، با عبارت «ای اشرافکم» معنای آن را بیان می‌کند (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ۸۷۶).

ابن جوزی پس از اشاره به قرائت مشهور و شاذ و ذکر نام قاریان هر دو قرائت، در وجوه تفسیر قرائت شاذ، سه وجه بیان می‌کند: ۱. «أَفْضَلِكُمْ خُلُقًا»؛ یعنی برترین شما از جهت خلق و خوی. ۲. «أَشْرَفِكُمْ نَسَبًا»؛ یعنی شریف‌ترین شما از جهت نسب و حسب. ۳. «أَكْثَرِكُمْ طَاعَةً لِلَّهِ»؛ یعنی بالاترین شما از جهت کثرت طاعت و عبادت الهی (ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ۳۱۴).

صاحب تفسیر منهج الصادقین نیز می‌نویسد: «من انفسکم»؛ یعنی از جنس شما در بشریت، که تا به واسطه جنسیت با او مخالطه کنید یا اینکه از قبیله شما اعراب است. از ابن عباس نقل شده است که: هیچ قبیله‌ای در عرب نبود، مگر اینکه پیامبر ﷺ رشته‌ای از قرابت با آن داشت و در قرائت شاذ منقول از حضرت فاطمه زهرا علیها السلام «من انفسکم» با فتح فاء که افضل تفضیل است؛ یعنی پیامبر، شریف‌ترین شما در نسب و حسب می‌باشد (کاشانی، ۱۳۳۶ش، ج ۴، ۳۴۸). اشاره منهج الصادقین به معنای قرائت شاذ نشان می‌دهد که مفسر به قرائت‌های شاذ اهتمام دارد. آشکار است که مفسران فریقین با اهتمام و توجه به قرائت شاذ، میان قرائت شاذ با قرائت مشهور قرابت معنوی برقرار کرده‌اند. از این رو، قرائت مشهور «أَنْفُسُكُمْ»؛ یعنی پیامبر از جنس شما در بشریت است. و در قرائت شاذ «من انفسکم»؛ یعنی پیامبر شریف‌ترین شما در نسب و خانواده می‌باشد.

ابوحنیان هر دو معنی قرائت مشهور و شاذ را در تفسیر خود خلاصه و جمع کرده است. خداوند با فرستادن پیامبر اکرم ﷺ به سوی مردم جزیره العرب که جزء آنها و از بهترین و شریف‌ترین آنها بود، منت گذارد (اندلسی، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۵۳۲).

۲-۱-۷. قرابت معنوی قرائت شاذ با وجهی از معانی قرائت مشهور

گونه‌ای از قرائت شاذ به شکلی است که وجهی از معانی قرائت مشهور را تبیین و تأیید می‌کند و قابل جمع با وجهی از معانی قرائت مشهور است و کارکرد آن با سایر وجوه معانی قرائت مشهور از نوع توسعه است.

آیه ۳ سوره لیل

«وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ؛ و سوگند به آن که نر و ماده را بیافرید.»

قرائت‌های مشهور و شاذ آیه

برای قرائت مشهور تمام قراء عشر، آیه به صورت «وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ» قرائت شده است. اما طبق قرائت شاذ، ابن مسعود این آیه را به شکل «والذی خلق الذکر والانثی» قرائت کرده است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۱، ۱۸۲؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۷ق: ج ۸، ۷۰۷). در شواذ قرائت پیامبر اکرم ﷺ، امام علی علیه السلام و روایت امام صادق علیه السلام و قرائت ابن مسعود،

جایگاه و کارکرد قرائت‌های شاذ در تبیین و توسعه معانی آیات قرآن کریم از منظر مفسران فریقین | ۱۹

ابودرداء و ابن عباس این آیه به صورت «والنهار اذا تجلی وخلق الذکر والانی» بدون «ما» آمده و در برخی منابع بدون «ماخلق» و به صورت «والذکر والانی» نقل شده است (ابن جنی، ۱۹۶۶م: ج ۲، ۳۶۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ۱۰، ۷۵۸).

معنای قرائت‌های آیه

صاحب تفسیر المیزان معتقد است: «ما» در آیه، موصوله و منظور از آن خدای سبحان است؛ حال آنکه اگر از خداوند تعبیر به «ما» شده است، با اینکه باید تعبیر به «من» می‌شد، برای آن است که ابهام‌گویی در اینجا که به عظمت اشاره دارد، رعایتش لازم‌تر از رعایت معنای لغوی است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰، ۳۰۲).

طبرسی معتقد است: برخی «ما» در آیه را مصدریه گرفته‌اند؛ یعنی سوگند به خلقت نر و ماده (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱۰، ۷۵۸)، در حالی که علامه این نظریه را بدون ذکر دلیل ضعیف می‌شمارد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰، ۳۰۲).

قرائت شاذ ابن مسعود، نظر علامه طباطبایی (ما موصوله) را تأیید و تبیین می‌کند. ولی قرائت پیامبر اکرم ﷺ و امام علی علیه السلام و کسانی که آنها را در این قرائت همراهی کرده‌اند، وجه دوم (ما مصدریه) را که برای قرائت مشهور گفته شد، تبیین می‌نماید.

تحلیل تفسیری آیه

نتیجه‌ای که از تنوع معانی در اثر اختلاف قرائت‌ها حاصل شده، آن است که خدا به نفس خود و به مخلوق خود - مذکر و مؤنث - قسم یاد می‌کند. از قرائت مختلف می‌توان سوگندهای متعددی را برداشت کرد و این عظمت و بزرگی خداوند را نشان می‌دهد و بر تأکید جواب قسم می‌افزاید. «سوگند» به نر و ماده اختصاص یافت؛ زیرا آن دو مظهر قدرت و خلقت بی‌بدیل خداست. با قسم به خلقت نر و ماده اذهان را پس از توجه به شگفتی‌های شب و روز، به سوی خلقت مذکر و مؤنث معطوف کرد (عطیه، بی تا، ج ۹، ۲۵۴).

در این آیه، به روشنی هر دو نقش قرائت شاذ در تبیین و توسعه معنای آیه ملاحظه می‌شود. نسبت قرائت‌های شاذ با دو وجهی که برای معنای قرائت مشهور گفته شد، تبیین یا توسعه است. بنابراین، هریک از قرائت‌های شاذ منقول از امام علی علیه السلام و ابن مسعود، به‌طور

جداگانه نسبت به وجهی از معانی قرائت مشهور، حکم تبیین، و نسبت به وجه دیگر حکم توسعه را دارد.

۲-۷. تاثیر قرائت‌های شاذ در توسعه معنای آیات

مقصود از این نوع کارکرد، قرائت‌های شاذی هستند که به معنای آیه، معانی جدیدی می‌افزایند و با ایجاد معانی متعدد، در معنای آیه توسعه ایجاد می‌کنند که می‌توان همه آنها را در یک معنای جامع بدون هیچ‌گونه تضاد جمع کرد. این نوع قرائت‌های شاذ، آیات بسیاری را در برمی‌گیرد. در این بخش، برخی از مهم‌ترین آیات را مورد بررسی قرار می‌دهیم. گفتنی است، تشخیص رابطه معنوی قرائت‌های شاذ با قرائت مشهور در تعیین نوع کارکرد آن در معانی آیات حائز اهمیت است؛ بنابراین، ممکن است بر حسب برداشت متفاوت مفسران از معانی قرائت‌های شاذ و مشهور، این کارکرد متغیر باشد. به همین دلیل، در کارکرد قرائت‌های شاذ در تفسیر برخی از آیات قرآن کریم بین محققان عامه و امامیه، وجود اختلاف امری بدیهی است؛ مانند قرائت آیه متعه و وضو.

۱. آیه ۳۸ سوره یس

«وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ؛ و آفتاب به سوی قرارگاه خویش روان است. این فرمان خدای پیروزمند و داناست.»

قرائت‌های مشهور و شاذ آیه

طبق قرائت مشهور، عامه قراء عشر آیه را به صورت «وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا» قرائت کردند.

طبق قرائت شاذ ابن مسعود، ابن عباس، عکرمه، عطاء بن ابی‌ریاح، ابوجعفر محمد بن علی رضی الله عنه، ابو عبدالله جعفر بن محمد رضی الله عنه و علی بن حسین رضی الله عنه، آیه به صورت «والشمس تجری لامستقر لها» قرائت شده است (ابن جنی، ۱۹۶۶م، ج ۲، ۲۱۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ۸، ۶۶۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۱۷، ۸۹). همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، این قرائت از امام سجاد، امام باقر و امام صادق رضی الله عنه نیز منقول است.

معنای قرائت‌های آیه

بنابر قرائت مشهور، معنای آیه بدین صورت است: خورشید در حرکت است تا زمانی که غروب کند و به محلی برسد که دیگر از آن محل عبور نکند و زیر عرش مستقر شود تا دوباره طلوع کند (قرطبی، ۱۳۶۴ش: ج ۱۶، ۲۷). چنانچه روایات صحیح به این معنا دلالت دارند (ر.ک: بخاری، ۱۴۰۱ق، ش ۴۸۰۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ۲۶۳؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ۳۸۵). بنا بر قرائت شاذ؛ یعنی خورشید حرکت می‌کند و هیچ‌گاه ساکن نمی‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷، ۹۰؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۶، ۱۵۳؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ۱۶).

تحلیل تفسیری آیه

مفسران فریقین درباره عبارت «وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا»، نظریات مختلفی را بیان

نموده‌اند:

۱. خورشید حرکت می‌کند تا به پایان عمرش در دنیا برسد و دنیا خراب شود. این معنا با قرائت «لا مستقر لها» یکی است؛ یعنی برای خورشید قرار و توقفی نیست تا دنیا به پایان برسد (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۸، ۶۶۴).
۲. خورشید برای «یک زمان و وقتی» حرکت می‌کند و از آن تجاوز نمی‌کند (طوسی، بی تا، ج ۸، ۴۵۹). فخر رازی درباره دلالت لام «لمستقر» به معنای وقت و زمان، به آیات «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ» (إسراء: ۷۸) و «فَطَلَّوْهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ» (طلاق: ۱) استناد می‌کند و احتمال لام به معنای «الی» را تأیید و لام را به معنای وقت و زمان تقریر می‌کند که دو طرف؛ یعنی ابتدا و انتها دارد و قرائت «والشمس تجری الی مستقر لها» را مؤید این مطلب میدانند و در باب مصادیق «لمستقر» به معنای «الی» و جوهی را ذکر می‌کند: الف) روز قیامت؛ یعنی حرکت خورشید به روز قیامت منتهی می‌شود و در آن روز از حرکت بازمی‌ایستد. ب) سال. ج) شب؛ یعنی خورشید تا شب حرکت می‌کند. د) اینکه مراد از استقرار به معنای زمان؛ بلکه به معنای استقرار مکانی باشد. در این صورت نیز جوهی را برمی‌شمارد: اول، نهایت و حداکثر بالارفتن خورشید در تابستان و حداقل پایین آمدن آن در زمستان و برگشت آن است. دوم، انتهای مشارق خورشید در شش ماه نخست سال و برگشت آن به محل‌های قبل به لحاظ اینکه هر روز

برای خورشید در طول شش ماه بر حسب ارتفاع آن اختلاف مشارقی وجود دارد. سوم، رسیدن خورشید به ابتدای خانه و محلش. چهارم، مداری که حرکت خورشید بر آن استوار است، به طوری که هرگز از مسیر خودش به منطقه ستارگان دیگر منحرف نمی‌شود. سپس، این احتمال را اضافه می‌کند که شاید مراد از «المستقر لها»، اشاره به حرکت خورشید در داخل فلکی که در آن قرار دارد، است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۶، ۲۷۶).

بیشتر مفسران شیعه و سنی در مورد مکان استقرار حرکت خورشید، روایت ابوذر غفاری از رسول خدا ﷺ را نقل کرده‌اند که فرمود: محل استقرار خورشید در زیر عرش خداست (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ۵۷۵؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ۲۶۳).

برخی لام «المستقر» را تعلیل در نظر گرفته‌اند (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۲، ۱۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۸، ۶۶۲؛ اندلسی، ۱۴۲۰ق، ج ۹، ۶۷؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۸، ۱۸۴).

تفسیر نمونه، تمام وجوه و احتمالات را با زبان علمی بیان می‌کند و منافاتی بین آنها نمی‌بیند و جمله «تجری» را برای همه این حرکت‌های خورشیدی که تاکنون کشف شدند و یا در آینده به اثبات خواهند رسید، قابل تعمیم می‌شمارد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴ش، ج ۱۸، ۳۸۲). قرشی نیز معتقد است: لام در «المستقر» برای غایت یا به معنی «الی» است؛ یعنی آفتاب تا رسیدن به قرارگاه خود جاری و روان است. ظهور «تجری» در حرکت انتقالی است، پس خورشید پیوسته جا عوض می‌کند و هر ثانیه در مکانی غیر از مکان اولی است (قرشی، ۱۳۷۷ش: ج ۹، ۸۴).

صاحب المیزان درباره معنای آیه در صورت قرائت دوم می‌نویسد: «در این قرائت، به جای لام در «المستقر» لای نافیه آمده و قرائت کرده‌اند؛ یعنی خورشید حرکت می‌کند و هیچ‌گاه ساکن نمی‌شود، ولی معنای اول - قرائت مشهور - سرانجام به این معنا برگشت می‌کند. به هر حال، حاصل معنای آیه شریفه این است که: آفتاب پیوسته در جریان است؛ مادامی که نظام دنیوی بر حال خود باقی است تا روزی که قرار گیرد و از حرکت بازایستد و در نتیجه دنیا خراب شود» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۱۷، ۹۰). علامه صرفاً به معانی هر دو قرائت اشاره می‌کند و جمله ایشان درباره اینکه معنای قرائت مشهور سرانجام به معنای قرائت شاذ برمی‌گردد، ناظر و مؤید سخنی است که مجمع‌البیان و برخی از مفسران اهل سنت نقل کردند

جایگاه و کارکرد قرائت‌های شاذ در تبیین و توسعه معانی آیات قرآن کریم از منظر مفسران فریقین | ۲۳

(طبرسی ۱۳۷۲ ش، ج ۸، ۶۶۳). علامه قصد دارد معنای هر دو قرائت را جمع کند و توهّم تناقض را برطرف نماید. بنابراین، بیان ایشان در ترجیح معنای قرائت شاذ بر مشهور، غیر صریح است.

بدین ترتیب، هر دو قرائت مشهور و شاذ قابل اثبات هستند و هیچ تناقضی بین دو قرائت وجود ندارد، زیرا مراد از نفی استقرار خورشید در قرائت شاذ بر حسب مشاهده‌های بشری است که خورشید را همیشه در حال حرکت بین شب و روز می‌بیند. براین اساس، قرائت شاذ موجب توسعه و تکامل معنایی در قرائت مشهور شده است.

۲. آیه ۴۶ سوره ابراهیم

«وَقَدْ مَكَرُوا مَكْرَهُمْ وَعِنْدَ اللَّهِ مَكْرُهُمْ وَإِنْ كَانَ مَكْرُهُمْ لِتَسْوُلٍ مِنْهُ الْجِبَالُ؛ آنان نیرنگ‌های خود نمودند و خدا از نیرنگ‌هایشان آگاه بود؛ هر چند که از نیرنگ‌هایشان کوه از پای درمی‌آمد.»

قرائت‌های مشهور و شاذ آیه

بنا به قرائت مشهور؛ همه قراء عشر به جز کسائی، و همه قراء اربعه شاذ جز ابن محیسن، عبارت «لِتَسْوُلٍ» را با کسر لام اول و فتح دوم قرائت کردند. ولی فقط کسائی از قراء عشر و ابن محیسن از قراء شاذ، آن را به صورت «لِتَسْوُلٍ» با فتح لام اول و ضم دوم قرائت کردند (سرخسی، ۱۳۹۸ق، ۲۱۸؛ آلوسی (محمود شکری)، ۱۴۰۲ق، ۲۷۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۶، ۴۹۵).

از عمر، امام علی علیه السلام، ابن مسعود و ابن عباس منقول است که آنها آیه را به صورت «و ان کاد مکرهم لتسول الجبال» قرائت کردند (ر.ک: ابن جنی، ۱۹۶۶م، ج ۱، ۳۶۵؛ متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ۵۹۶).

معنای قرائت‌های آیه

معنای قرائت مشهور «لِتَسْوُلٍ»؛ یعنی مکر آنها نمی‌تواند کوه‌ها را زایل کند؛ مکر آنها ضعیف و سست‌تر از آن است که کوه‌های محکم و استوار را از بین ببرد، درحالی که کوه‌ها بخشی از آفرینش خداست. پس، چگونه می‌تواند و امکان دارد مکر آنها قرآن و نبوت را زایل کند، حال آنکه که خدا به پیامبرش صلی الله علیه و آله وعده داد که دینش را پیروز گرداند: «لِيُظْهِرَهُ»

عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا (الفتح: ۲۸) (زجاج، ۱۴۰۸ق: ج ۳، ۱۶۶؛ نحاس، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ۵۴۳؛ ابن زنجله، ۱۴۱۸ق: ۳۷۹).

ولی معنای قرائت «لتزول» که با معنای قرائت عمر و امام علی علیه السلام و دیگران مناسب دارد؛ یعنی مکر آنها نزد خدا معلوم است. مکر آنها نزدیک است تا از شدت کید، کوه‌ها را زایل کند. ولی خدا دینش را پیروز می‌کند و مکر و حيله آنها نزد خدا پوشیده نیست؛ یعنی خدا مکر آنها را بزرگ می‌شمارد (ر.ک: نوح: ۲۲؛ مریم: ۹۰) (زجاج، ۱۴۰۸ق، ۱۶۷/۳ - نحاس، ۱۴۱۰ق، ۵۴۲/۳ - مکی بن ابی طالب القیسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ۲۷).

تحلیل تفسیری

آلوسی معتقد است: کلمه «ان» در آیه مورد بحث، وصلیه نیست؛ بلکه نافیه است و لام در «لتزول» لامی است که بر سر منفی در می‌آید و «جبال» کنایه از آیات و معجزات است و معنای جمله این است که: «مکر ایشان هرگز نخواهد توانست آیات و معجزات خدایی را که مانند کوه‌های پابرجا و غیرقابل زوال هستند از بین ببرد و باطل سازد». آن‌گاه این تفسیر خود را به قرائت ابن مسعود که آیه را به صورت «و ما کان مکرهم ...» خوانده است، تأیید کرده است (ر.ک: آلوسی، ۱۴۱۵ق: ج ۷، ۲۳۵).

صاحب تفسیر المیزان، دیدگاه‌های مختلف از «ان» و «لام» در «لتزول» را بیان می‌کند و «ان» به معنی نفی را رد می‌کند و می‌نویسد: کلمه «لتزول» به فتح اول و ضمه آخر هم قرائت، شده و بنا بر این قرائت کلمه «ان» مخففه و معنا چنین خواهد بود: «و به تحقیق که مکر ایشان از عظمت به حدی بود که کوه‌ها را از جای می‌کند» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ۸۵). بدین ترتیب، علامه معنی آیه را با قرائت کسائی از قراء سبعة، و ابن محیصن از قراء شاذ، که برخلاف قرائت جمهور و رایج است و با قرائت شاذی که از عمر و امام علی علیه السلام منقول است و با رسم مصحف اختلاف دارد، هماهنگ و متناسب می‌داند.

۸. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی جایگاه و کارکرد قرائت‌های شاذ در تبیین و توسعه معانی آیات قرآن نتایج ذیل را دربردارد:

۱. قرائت شاذ، قرائتی است که فقدان تواتر، عدم استفاضه و مقبولیت بین مردم از ویژگی‌ها و شاخصه‌های اصلی آن است. در اینکه مخالف یا موافق رسم مصحف باشد و یا سند آن صحیح یا ضعیف باشد، یکسان است و فرقی نمی‌کند.

۲. در آیه‌ای که قرائت شاذ معنای قرائت مشهور را تبیین و توضیح می‌دهد، به دلیل اینکه تعدد معانی وجود ندارد، ترجیح یکی از معانی منتفی است؛ ولی در جایی که قرائت شاذ کثرت معانی را ایجاد می‌کند، انتخاب یکی از معانی برای مفسران امکان‌پذیر است. به همین جهت، گاهی مفسران عامه و امامیه مانند آنچه درباره آیه ۴۶ سوره ابراهیم گذشت، پس از مطالعه سیاق آیه و بررسی نکات ادبی و روایی، معنی قرائت شاذ را بر معنای قرائت جمهور و رایج ترجیح می‌دهند.

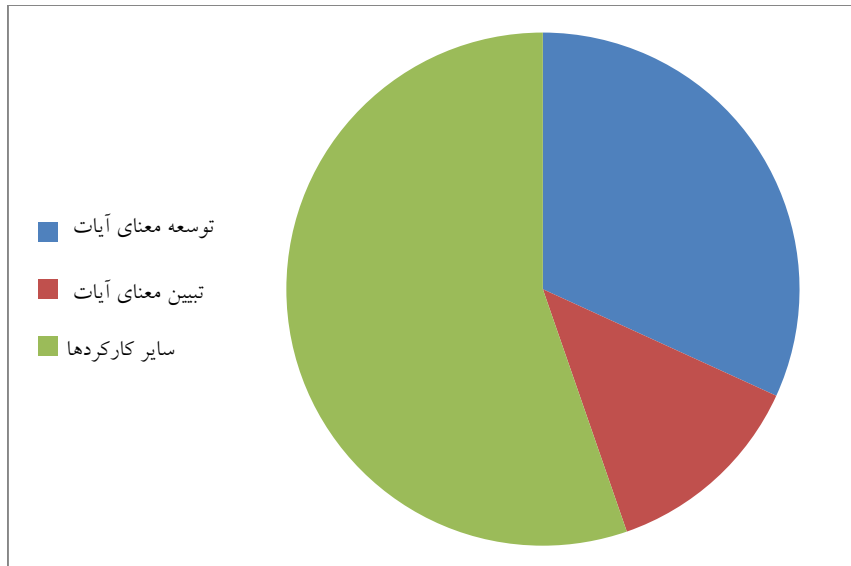
۳- با توجه به اعتقاد مفسران اهل سنت به اختلاف قرائت‌های قرآن کریم، استفاده از قرائت‌ها در اغلب تفاسیر آنها مشهود است و تنها به قرائت‌های سبعة و عشر اکتفا نمی‌کنند. بعضی مانند نخش در معانی القرآن پیش از نقل قرائت‌ها، وجوه مختلف اعراب و مفردات آیات را مورد بررسی و مناقشه قرار می‌دهد و با تأیید، انکار و تجویز وجوه بعضی بر بعضی دیگر، در ترجیح و اولویت قرائت‌ها قضاوت می‌کند. بعضی مانند طبری در تفسیر جامع البیان، پس از نقل قرائت‌ها به توجیه نحوی و تفسیری آنها می‌پردازد. تفسیر طبری و البحر المحیط در میان تفاسیر اهل سنت بیشترین عنایت را به قرائت‌های شاذ داشته‌اند.

۴- استناد تفاسیر امامیه به قرائت‌های مختلف به جز چند تفسیر، بسیار کم‌رنگ است. این عدم توجه به قرائت‌ها ناشی از مبانی فکری و اعتقادی این گروه به اصل عدم وجود اختلاف قرائت‌ها در قرآن است؛ تا پیش از تفسیر التبیان طوسی نقل قرائت‌ها مشهور و شاذ، کم‌اهمیت‌ترین بخش در روایات تفسیری شیعه بود. مجموعه‌ای از قرائت‌های خاص ائمه علیهم‌السلام که در مراجع و متون تفسیری شیعه و اهل سنت آمده است، به همت مجیب الرفیعی در «قرائت‌های اهل البیت القرآنیة» گردآوری شده که به نظر بسیار ناقص می‌نماید. گو اینکه بسیاری از این موارد را می‌توان شأن نزول آیه یا توضیحات تفسیری منقول از ائمه دانست. تفسیر التبیان و مجمع البیان در میان تفاسیر امامیه عنایت ویژه به تأثیر قرائت‌ها در تبیین و توسعه معنای آیه دارند. شیخ طوسی روایات ناظر به نحوه قرائت خاص ائمه علیهم‌السلام را هیچ‌گاه در

ضمن قرائت‌های معروف قرآن هفت گانه یا ده گانه ذکر نمی‌کند. چنین قرینه‌ای نشان می‌دهد که کارکرد این دسته روایات، از نظر وی صرفاً تفسیری و به منظور شرح و بیان مدلول آیه است.

۵. با توجه به برداشت متفاوتی که نگارندگان این مقاله بر اساس آرای مفسران امامیه در معنای برخی از قرائت‌های شاذ و مشهور داشتند، از مجموع ۱۳۶ مورد قرائت‌های شاذ منقول از غیر قراء سبعه‌ای که بازمول در کتاب اثر القرائت‌های مأخوذ از کتاب المحتسب/ابن جنی که در مورد کارکردهای مختلف قرائت‌های شاذ؛ مانند تبیین، توسعه، رفع اشکال، اجمال، تقیید، تخصیص و... در تفسیر قرآن بررسی نموده است، تعداد ۴۳ مورد درباره کارکرد قرائت‌های شاذ در توسعه معنایی و ۱۷ مورد در تبیین معنای آیات است که جمعاً ۶۰ مورد بررسی گردیده است. ۷۳ مورد باقیمانده متعلق به سایر کارکردهای قرائت‌های شاذ است. اخیراً مجتبی‌الکنانی فقط قرائت‌های شاذ منقول از قراء عشر را در معجمی جمع‌آوری کرده است که تعداد آن را بالغ بر ۱۵۹۸ مورد برشمرده است. همچنین، امکان قرائت‌های شاذ دیگری به نقل از صحابه در منابع روایی و تفسیری وجود دارد که هنوز گردآوری نشده است. گفتنی است، همه این قرائت‌ها شاذ از موضوع تحقیق ما خارج است و به بررسی مستقلی نیاز دارد.

نمودار آماری قرائت‌های شاذ مبتنی بر کارکردهای آن در تفسیر قرآن



منابع

- قرآن کریم؛ ترجمه ناصر مکارم شیرازی، چاپ دوم، دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۲ ش.
۱. آلوسی، محمود شکری؛ *تحاف الأجداد فی ما یصح به الاستشهاد*؛ عراق: احیاء التراث الإسلامی، ۱۴۰۲ق.
 ۲. آلوسی، محمود؛ *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*؛ تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
 ۳. آمدی، سیف‌الدین علی بن ابی‌علی بن محمد؛ *الإحکام فی أصول الأحکام*؛ بی‌جا: دارالحديث، بی‌تا.
 ۴. ابن جنی، أبی الفتح عثمان؛ *المحتسب فی تبیین وجوه القرائت‌های و الأیضاح عنها*؛ عربستان: لجنه احیاء التراث الإسلامی، ۱۹۶۶م.
 ۵. ابن جزری، ابو الخیر محمد بن محمد؛ *النشر فی القرائت العشر*؛ بیروت: دار الکتب العلمیه، بی‌تا.
 ۶. _____؛ *غایه النهایه فی طبقات القراء*؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۲ق.
 ۷. _____؛ *منجدالمقرئین و مرشد الطالبین*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۰ق.
 ۸. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی؛ *زادالمسیر فی علم التفسیر*؛ بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۲۲ق.
 ۹. ابن حجر عسقلانی؛ *فتح الباری شرح صحیح البخاری*؛ تصحیح محب‌الدین خطیب، دارالریان للتراث، ۱۴۰۷ق.
 ۱۰. ابن زنجله، عبد الرحمن بن محمد؛ *حجۀ القرائت*؛ تحقیق سعید أفغانی، مؤسسۀ الرسالۀ، ۱۴۱۸ق.
 ۱۱. ابن سلام، أبی عبید قاسم؛ *فضائل القرآن و معالمه و آدابه*؛ تحقیق احمد خیاطی، دراسات الإسلامی، بی‌تا.
 ۱۲. ابن عاشور، محمد بن طاهر؛ *التحریر و التنویر*؛ دارالتونسیه، ۱۸۸۴م.
 ۱۳. ابن عمر، عبدالقادر؛ *خزانه الأدب و لب لسان العرب*؛ تحقیق عبدالسلام هارون، مکتبه الخانجی، ۱۴۰۶ق.
 ۱۴. ابن قدامه مقدسی، محمد بن احمد؛ *روضه الناظر و جنه المناظر*؛ مکتبه المعارف الرياض، ۱۴۰۴ق.
 ۱۵. ابن مجاهد، أبی بکر احمد بن موسی؛ *السبعه فی القرائت‌های*؛ تحقیق شوقی ضیف، بی‌جا، ط ۲، ۱۹۸۰م.
 ۱۶. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ *لسان العرب*؛ چاپ سوم، بیروت: دارصادر، ۱۴۱۴ق.
 ۱۷. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی؛ *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*؛ تحقیق محمدجعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.
 ۱۸. أبی سهل، محمد بن احمد؛ *اصول السرخسی*، لجنه احیاء المعارف النعمانیه حیدر آباد؛ ۱۳۷۲ق.
 ۱۹. أبی شامه، عبدالرحمن بن اسماعیل؛ *المرشد الوجیز إلی علوم تعلقی بالکتب العزیز*؛ بیروت: دارصادر، ۱۹۷۵م.
 ۲۰. احمد بن حنبل؛ *المسنده*؛ مکتب اسلامی، بیروت، طبع دوم، ۱۳۹۸ق.
 ۲۱. اندلسی ابوحیان، محمد بن یوسف؛ *البحر المحیط فی التفسیر*؛ تحقیق محمد جمیل صدقی، بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۰ق.
 ۲۲. بازمول، محمد بن عمر بن سالم؛ *القرائت‌های فی التفسیر و الأحکام*؛ چاپ اول، عربستان سعودی: دارالهجره، ۱۹۶۶م.
 ۲۳. بحرانی، هاشم؛ *البرهان فی تفسیر القرآن*؛ تهران: بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.
 ۲۴. بخاری، محمد بن اسماعیل؛ *صحیح بخاری*؛ استانبول: دارالفکر، ۱۴۰۱ق.
 ۲۵. بخاری، علاء‌الدین عبدالعزیز بن احمد؛ *کشف الاسرار عن اصول فخر الاسلام البزدوی*؛ تخریج محمد معتصم بالله بغدادی، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۱۷ق.
 ۲۶. بلاغی نجفی، محمدجواد؛ *آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن*؛ قم: بنیاد بعثت، ۱۴۲۰ق.

۲۷. بیلی، احمد؛ *الاختلاف بین القرائت*، بیروت: دارالجليل، بی تا.
۲۸. بیضاوی، عبدالله بن عمر؛ *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*؛ بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
۲۹. جوادی آملی، عبدالله؛ *تفسیر تسنیم*؛ قم: اسراء، ۱۳۸۹ش.
۳۰. دمیاطی، احمد بن محمد؛ *تحاف فضلاء البشر بالقرآنت های الأربع عشر*؛ تحقیق محمد اسماعیل شعبان، بیروت: مکتبه الکلیات الأزهریه، ۱۴۰۷ق.
۳۱. خوئی، ابوالقاسم؛ *البیان فی تفسیر القرآن*؛ قم: موسسه احیاء آثار الامام الخوئی، بی تا.
۳۲. ذهبی، محمد بن احمد؛ *معرفه القراء الکبار علی الطبقات والاعصار*، تحقیق بشار عواد وزملائه، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۴ق.
۳۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ *مفردات ألفاظ القرآن*؛ بیروت: دارللمعلم، ۱۴۱۲ق.
۳۴. زجاج، ابی اسحاق؛ *معانی القرآن و إعرابه*؛ تحقیق عبدالجلیل عبده شبلی، عالم الکتب، طبع اول، ۱۴۰۸ق.
۳۵. زرکانی، محمد عبد العظیم؛ *مناهل العرفان فی علوم القرآن*؛ بی جا: داراحیاء التراث العربی، ۱۹۴۸م.
۳۶. زرکشی، محمد بن عبد الله؛ *البرهان فی علوم القرآن*؛ چاپ اول، بیروت: دار المعرفه، ۱۴۱۰ق.
۳۷. زرکلی، خیرالدین، الأعلام قاموس تراجم لأشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین؛ الطبعة الخامسة؛ دارالعلم للملایین، ۱۹۸۰م.
۳۸. زمخشری، محمود بن عمر؛ *کشاف عن حقائق غوامض التنزیل*؛ بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷ق.
۳۹. سخاوی، علم الدین علی بن محمد؛ *جمال القراء و کمال الإقراء*؛ تحقیق علی حسین البواب، مگه: مکتبه التراث، ۱۴۰۸ق.
۴۰. سرخسی؛ محمد بن احمد، المبسوط؛ بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۴ق، ۱۹۹۳م.
۴۱. سیوطی، جلال الدین؛ *الدر المنثور فی تفسیر بالمأثور*؛ قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۴۲. —————؛ *الاتقان فی علوم القرآن*؛ بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۲۱ق.
۴۳. —————؛ *المزهر فی علوم اللغه و أنواعها*؛ بیروت: مکتبه العصریه صیدا، ۱۹۸۶م.
۴۴. طباطبایی، محمدحسین؛ *المیزان فی تفسیر القرآن*؛ قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
۴۵. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر؛ *جامع البیان فی تفسیر القرآن*؛ بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق.
۴۶. طبرسی، فضل بن حسن؛ *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*؛ تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۴۷. طوسی، محمد بن حسن؛ *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: داراحیاء التراث العربی، بی تا.
۴۸. طیب، عبدالحسین؛ *أطیب البیان فی تفسیر القرآن*؛ چاپ دوم، تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۸۷ش.
۴۹. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه؛ *تفسیر نور الثقلین*؛ قم: انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
۵۰. عطیه، محمد سالم؛ *تمه إضواء البیان*؛ بی جا: مطبعة المدنی، بی تا.
۵۱. عبدالوهاب سبکی، تاج الدین؛ *حاشیه البنانی علی شرح المحلی علی جمع الجوامع*؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۱ق.
۵۲. عرجون، محمدصادق؛ *سنن الله فی المجتمع من خلال القرآن*؛ الطبعة الثالثة، دارالسعودیه للنشر و التوزیع، ۱۴۰۴ق.
۵۳. فخرالدین رازی؛ *ابوعبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب*؛ بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۵۴. فرآء، یحیی بن زیاد؛ *معانی القرآن*؛ عالم الکتب، بیروت، طبع ثانی، ۱۹۸۰م.
۵۵. فراهیدی، خلیل بن احمد؛ *کتاب العین*؛ قم: هجرت، ۱۴۰۹ق.
۵۶. قابه، عبدالحلیم بن محمد الهادی؛ *القرآنت های القرآنیه*؛ بیروت: دارالغرب الاسلامی، ۱۹۹۹م.

۵۷. قاضی، عبدالفتاح؛ *القراءات‌های الشاذة و توجیها من لغة العرب؛ الطبعة الأولى*، بی‌جا: دارالکتاب العربی، ۱۴۰۱ق.
۵۸. قرشی، عبدالله بن حماد بن حمید؛ *القراءات الشاذة و اثرها فی التفسیر*؛ مجله پژوهش‌های قرآنی مؤسسه امام شاطبی شماره ۷، جمادی الاخری ۱۴۳۰ق.
۵۹. قرشی، علی اکبر؛ *تفسیر احسن الحدیث؛ تهران: بعثت، ۱۳۷۷ش.*
۶۰. قرطبی، محمد بن احمد؛ *الجامع لأحكام القرآن؛ تهران: ناصر خسرو، ۱۳۶۴ش.*
۶۱. قسطلانی، شهاب‌الدین ابی‌العباس أحمد بن محمد؛ *لطائف الإشارات لفنون القراءات‌های؛ تحقیق عامر سعید و عبدالصبور شاهین، قاهره؛ بی‌جا: المجلس الأعلى للشؤون الإسلامية لجنة أحياء التراث الإسلامية، ۱۹۷۲م.*
۶۲. کاشانی، ملا فتح الله؛ *منهج الصادقين فی الزام المخالفين؛ تهران: نشر محمدحسن علمی، ۱۳۳۶ش.*
۶۳. کلینی، محمد بن یعقوب؛ *الكافي؛ تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی؛ تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.*
۶۴. متقی هندی، علاء‌الدین علی؛ *کنز العمال فی سنن الأفعال و الأفعال؛ تصحیح صفوه السقا؛ بی‌جا: مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ق.*
۶۵. مختار عمر، أحمد، سالم مکرم عبدالعال؛ *معجم القراءات‌های القرآنية؛ الطبعة الثانية، کویت: جامعه الکویت، ۱۴۰۸ق.*
۶۶. مسئول، عبدالعلی، القراءات الشاذة ضوابطها و الاحتجاج بها فی الفقه والعریبه، قاهره، دارابن عفان، چاپ اول، ۱۴۲۹ه، ۲۰۰۷م.
۶۷. معرفت، محمد هادی؛ *التمهید فی علوم القرآن؛ چاپ دوم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ق.*
۶۸. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران؛ *تفسیر نمونه؛ تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۳۷۴ش.*
۶۹. مکی بن ابی طالب القیس؛ *الایانه عن معانی القراءات‌های؛ تحقیق محمد محیی‌الدین رمضان؛ بی‌جا: دارالأمون للتراث، ۱۹۷۹م.*
۷۰. -----؛ *الكشف عن وجوه القراءات‌های السبع و عللها و حججها؛ تحقیق محی‌الدین رمضان؛ الطبعة الثالثة، بی‌جا: مؤسسه الرساله، ۱۴۰۴ق.*
۷۱. میدانی، عبدالرحمن جنبکه؛ *قواعد التدبر الأمثل لكتاب الله عزّوجلّ؛ الطبعة الثانية، دارالقلم، ۱۴۰۹ق.*
۷۲. مهدوی، ابوالعباس أحمد بن عمار؛ *شرح الهدایة؛ ریاض: مکتبه الرشد، ۱۴۱۵ق.*
۷۳. نحاس، ابی جعفر؛ *معانی القرآن الکریم؛ الطبعة الأولى، بی‌جا: جامعه امّ القری، مطبوعات مرکز أحياء التراث، ۱۴۱۰ق.*
۷۴. نووی، یحیی بن شرف؛ *التبیان فی آداب حمله القرآن؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۳ق.*
۷۵. -----؛ *صحیح مسلم بشرح النووي؛ لبنان: دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷ق.*
۷۶. -----؛ *المجموع شرح المذهب؛ بی‌جا: دارالفکر، بی‌تا.*
۷۷. نویری، محمد بن محمد؛ *شرح طیه النشر فی القراءات‌های العشر؛ بیروت: داراکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون، ۱۴۲۴ق.*

References

- *The Noble Qur'an* (1372 S.H). Translated by Makarem Shirazi, 2nd Ed., N.P: Dar al-Qur'an al-Hakim.
- Ab ol-Fotuh Razi, Hussain ibn Ali (1408 A.H). *Rowz al-Janan va Ruh al-Janan fi Tafsir al-Qur'an*. Researched by Muhammad Ja'far Yaheqi & Muhammad Mehdi Naseh, Mashhad: Foundation of Islamic Researches in Astan Qods Razawi.
- Abd ol-Wahhab Sabki, Taj od-Din (1401 A.H). *Hashiah al-Lobnani ala Sharh al-Mahalli al Jam' al-Jawame'*. Beirut: Dar ol-Fekr.

- Abi Sahl, Muhammad ibn Ahmad (1372 S.H). *Osul as-Sarakhsi*. Heidar Abad: Ehya' al-Ma'arif an-Na'maniah.
- Abi Shameh, Abd or-Rahman bin Isma'iil (1975). *Al-Murshid al-Wajiz ela Ulum Tata'alloq bil-Kitab al-Aziz*. Beirut: Dar Sader.
- Ahmad bin Hanbal (1398 A.H). *Al-Mosnad*. 2nd Ed., Beirut: Islamic School.
- Alusi, Mahmud (1415 A.H). *Rooh al-Ma'ani fi Tafsir al-Qur'an al-Azim*. Researched by Ali Abd ol-Bari Atiah, Beirut: Dar al-Kotob al-Elmiah.
- Alusi, Mahmud Shokri (1402 A.H). *Ethaf al-Amjad fi ma Yaseh beh al-Esteshhad*. Iraq: At-Turath al-Islami.
- Amadi, Seif od-Din Ali ibn Abi Ali ibn Muhammad (N.D). *Al-Ahkam fi Osul al-Ahkam*. N.P: Dar al-Hadith.
- Andelosi Abu Hayyan, Muhammad ibn Yusuf (1420 A.H). *Al-Bahr al-Muhit fil-Tafsir*. Researched by Muhammad Jamil Sedqi, Beirut: Dar al-Fekr.
- Arjun, Muhammad Sadeq (1404 A.H). *Sonan Allah fil-Mujtama' min Khilal al-Qur'an*. 2nd Ed., Dar as-So'udiah len-Nashr vat-Tawzi'.
- Arusi Huwaizi, Abd Ali bin Jum'eh (1415 A.H). *Noor ath-Thaqalyn*, Qom: Isma'ilian.
- Atiah, Muhammad Salem (N.D). *Tatamah Ezwa' al-Bayan*. N.P: Al-Madani.
- Bahrani, Hashem (1416 A.H). *Al-Borhan fi Tafsir al-Qur'an*. Tehran: Be'that Foundation.
- Balaghi Najafi, Mohammad Javad (1420 A.H). *Ala' ar-Rahman fi Tafsir al-Qur'an*. Qom: Be'that Foundation.
- Bazmul, Muhammad bin Umar bin Salem (1966). *Al-Qira'at-haye fit-Tafsir val-Ahkam*. 1st Ed., Saudi Arabia: Dar a-Hijrah.
- Beizawi, Abd ol-Lah bin Umar (1418 A.H). *Anwar al-Tanzil va Asrar at-Ta'wil*. Beirut: Dar Ehya' at-Turath al-Arabi.
- Beyli, Ahmad (N.D). *Al-Ekhtelaf bayn al-Qara'at*. Beirut: Dar al-Jeyl.
- Bokhari, Muhammad bin Isma'iil (1401 A.H). *Sahih Bokhari*. Istanbul: Dar al-Fekr.
- Bokhari, Alaeddin Abd ol-Aziz bin Ahmad (1417 A.H). *Kashf al-Asrar an Osul Fakhr al-Islam al-Bazdui*. Researched by Muhammad Mo'tasem bel-Lah Baghdadi, Beirut: Dar al-Ketab al-Arabi.
- Danyati, Ahmad bin Muhammad (1407 A.H). *Ethaf Fozala' al-Bashar bil-Qara'at-haye al-Arba' Ashar*. Researched by Muhammad Isma'iil Sha'ban. Beirut: Maktabah al-Koliyat al-Azhariah.
- Fakhr ad-Din Razi, Abu Abd ol-Lah Muhammad ibn Umar (1420 A.H). *Mafatih al-Ghaib*. Beirut: Dar Ehya' at-Turath al-Arabi.
- Farahidi, Khalil bin Ahamd (1409 A.H). *Kitab al-Ayn*. Qom: Hijrat.
- Farra', Yahya bin Ziyad (1980). *Ma'ani al-Qur'an*. 2nd Ed., Beirut: Alam al-Kotob.
- Ibn Ashur, Muhammad bin Taher (1884). *At-Tahrir vat-Tanwir*. Dar at-Tunesiah.
- Ibn Hajar asqalani (1407 A.H). *Fath al-Bari Sharh Sahih al-Bokhari*. Edited by Moheb od-Din Khatib, N.P: Dar ar-Riyan let-Turath.
- Ibn Jazri, Abu al-Khayr Muhammad bin Muhammad (1400 A.H). *Munjad ol-Mogre'in va Murshid ol-Talebin*. Beirut: Dar al-Kotob al-Elmiah.
- Ibn Jazri, Abu al-Khayr Muhammad bin Muhammad (1402 A.H). *Ghayah an-Nahayah fi Tabaqat al-Qorra'*. Beirut: Dar al-Kotob al-Elmiah.
- Ibn Jazri, Abu al-Khayr Muhammad bin Muhammad (N.D). *An-Nashr fi al-Qara'at al-Ashr*. Beirut: Dar al-Kotob al-Elmiah.
- Ibn Jonay, Abi al-Fath Othman (1966). *Al-Mohtasab fi Tabiin Vojuh al-Qira'at-haye val-Izah anha*. Saudi Arabia: Ehya' at-Turath al-Islami.
- Ibn Juzi, Abu al-Faraj Abd ar-Rahman bin Ali (1422 A.H). *Zad al-Masir fi Elm at-Tafsir*. Beirut: Dar al-Kotob al-Elmiah.
- Ibn Manzur, Muhammd ibn Mukram (1414 A.H). *Lasan al-Arab*. 3rd Ed., Beirut: Dar Sader.
- Ibn Mujahid, Abi Bakr Ahamd bin Musa (1980). *As-Sab'ah fil-Qara'at-haye*. Researched by Showqi Zayf, N.P: T2.
- Ibn Qudameh Moqaddasi, Muhammad bin Ahmad (1404 A.H). *Rawzat an-Nazer va Jannat al-Manazer*. Al-Ma'aref ar-Riyaz Institute.
- Ibn Salam, Abi Ubaid Qasem (N.D). *Fazael al-Qur'an va Ma'alemah va Adabah*. Researched by Ahmad Khayyati, N.P: Derasat al-Islami.
- Ibn Umar, Abd ol-Qader (1406 A.H). *Khazanat ol-Adab va Lob Lesan al-Arab*. Researched by Abd as-Salam Harun, N.P: A-Khanji Institute.
- Ibn Zanjaleh, Abd ar-Rahman bin Muhammad (1418 A.H). *Hojjat ol-Qira'at*. Researched by Sa'iid Afghani, N.P: Ar-Risalah Institute.
- Javadi Amoli, Abd ol-Lah (1389 S.H). *Tafsir Tasnim*. Qom: Asra'.

- Kashani, Molla Fath ol-Lah (1366 S.H). *Munhaj as-Sadeghin fi Ilzam al-Mukhalefin*. Tehran: Muhammad Hasan Elmi Press.
- Kho'i, Ab ol-Qasem (N.D). *Al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Qom: Institute of Ehya' Asar al-Imam al-Khoii.
- Koleini, Muhammad bin Ya'qub (1407 A.H). *Al-Kafi*. Researched by Ali Akbar Ghaffari & Muhammad Akhundi. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiah.
- Ma'rifat, Muhammad Hadi (1415 A.H). *At-Tamhid fi Ulum al-Qur'an*. 2nd Ed., Qom: An-Nashr al-Islami Institute.
- Mahdawi, Ab ol-Abbas Ahmad bin Ammar (1415 A.H). *Sharh al-Hidayah*. Riyadh: Ar-Rushd School.
- Makarim Shirazi, Naser et. al. (1374 S.H). *Tafsir Nemoone*. Tehran: Dar al-Kitab al-Islamia.
- Makki bin Abi Taleb al-Qaisi (1404 A.H). *Al-Kashf an Vojuh al-Qira'at-haye as-Sab' va Elale-ha va Hojaje-ha*. 3rd Ed., Researched by Muhammad Mohy ad-Din Ramezan, N.P: Ar-Risalah Institute.
- Makki bin Abi Taleb al-Qaisi (1979). *Al-Ebanah an Ma'ani al-Qira'at-haye*. Researched by Muhammad Mohy ad-Din Ramezan, N.P: Dar al-Amun let-Turath.
- Mas'ul, Abd ol-Ali (2007). *Al-Qira'at ash-Shazah Zawabeteha val-Ihtijaj beha fil-Fiqh val-Arabiah*. 1st Ed., Cairo: Dar ibn Efan.
- Meydani, Abd ar-Rahman Habnakeh (1409 A.H). *Qawa'id at-Tadabbor al-Amsal le-Kitab Allah Azz ava Jall*. 2nd Ed., N.P: Dar al-Qalam.
- Mottaqi Hendi, Ala' ed-Din Ali (1409 A.H). *Kanz ol-Ommal fi Sonan al-Aqval val-Af'al*. Edited by Sefvah as-Saqa. N.P: Ar-Risalah.
- Mukhtar Umar, Ahmad & Salem Mukram Abd ol-Al (1408 A.H). *Mu'jam al-Qara'at-haye al-Qur'aniah*. 2nd Ed., Kuwait: Al-Kuwait Society.
- Nohas, Abi Ja'far (1410 A.H). *Ma'ani al-Qur'an al-Karim*. 2nd Ed., N.P: Um ol-Qura Society, Ehya at-Turath.
- Nowiri, Muhammad bin Muhammad (1424 A.H). *Sharh Tayebeh an-Nashr fi al-Qira'at-haye al-Ashr*. Beirut: Dar al-Kotob al-Elmiah, Manshurat Muhammad Ali Beizun.
- Nuwi, Yahya bin Sharaf (1403 A.H). *At-Tibyan fi Adab hamleh al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Kotob al-Elmiah.
- Nuwi, Yahya bin Sharaf (1407 A.H). *Sahih Moslem be Sharh an-Nuwi*. Lebanon: Dar al-Ketab al-Arabi.
- Nuwi, Yahya bin Sharaf (N.D). *Al-Majmu' Sharh al-Mazhab*. N.P: Dar al-Fekr.
- Qabah, Abd ol-Halim bin Muhammad al-Hadi (1999). *Al-Qira'at-haye al-Qur'aniah*. Beirut: Dar al-Gharb al-Islamiah.
- Qarshi, Abd ol-Lah bin Hemad bin Hamid (1430 A.H). *Al-Qira'at-haye Shazah va Asare-ha fi Tafsir. Journal of Qur'anic Researches in the Institute of Imam Shatebi*, Vol. 7.
- Qarshi, Ali Akbar (1377 S.H). *Tafsir Ahsan al-Hadith*. Tehran: Be'that.
- Qastalani, Shahab od-Din Abil-Abbas Ahmad bin Muhammad (1972). *Lataef al-Esharat lefonun al-Qira'at-haye*. Researched by Amer Sa'id and Abd as-Sabur Shahin. Cairo: High Parliament of Islamic Affairs Ehya' at-Turath al-Islami.
- Qazi, Abd ol-Fattah (1401 A.H). *Al-Qira'at-haye ash-Shazeh va Tojihoha min Lughat al-Arab*. 1st Ed., N.P: Dar al-Kitab al-Arabi.
- Qurtubi, Muhammad ibn Ahmad (1364 S.H). *Al-Jami' le-Ahkam al-Qur'an*. Tehran: Naser Khosrow.
- Raghbi Isfahani, Hussain bin Muhammad (1412 A.H). *Mufradat Alfaz al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Qalam.
- Sakhavi, Elm od-Din Ali ibn Muhammad (1408 A.H). *Jamal ol-Qorra' va Kamal ol-Eqra'*. Researched by Ali Hussain al-Bawab. Mecca: At-Turath School.
- Sarakhsi, Muhammad bin Ahmad (1993). *Al-Mabsut*. Beirut: Dar ol-Ma'rifah.
- Suyuti, Jalal ad-Din Abd ar-Rahman (1421 A.H). *Al-Itqan fi Ulum al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Kotob al-Arabi.
- Suyuti, Jalal ad-Din Abd ar-Rahman (1986). *Al-Mozhar fi Ulum al-Lughah va Anva'o-ha*. Beirut: Al-Asriah Sayda School.
- Suyuti, Jalal al-Din Abd ar-Rahman (1404 A.H). *Ad-Dur al-Manthur fi Tafsir bel-Ma'thur*. Qom: Ayatollah Mar'ashi Najafi Library.
- Tabari, Abu Ja'far Muhammad ibn Jarir (1412 A.H). *Jame' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Beirut: Dar ol-Ma'rifah.
- Tabarsi, Fazl ibn Hasan (1372 S.H). *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Tehran: Naser Khosrow.
- Tabataba'ii, Seyed Mohammad Hussein (1417 A.H). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. Qom: Teachers' association of Hawzah 'Ilmiah in Qom.
- Tayeb, Seyed Abd ol-Hussain (1387 S.H). *Aryab ol-Bayan fi Tasir al-Qur'an*. 2nd Edition, Tehran: Islam Press.

- Tusi, Muhammad bin Hasan (N.D). *At-Tibyan fi Tafsir al-Qur'an*. Beirut: Dar Ehya' at-Turath al-Arabi.
- Zahabi, Muhammad bin Ahmad (1404 A.H). *Ma'rifah al-Qorra' al-Kebar ala at-Tabaqat val-A'sar*. Researched by Bashshar Avad vazmala'ah, Beirut: Ar-Risalah Institute.
- Zamakhshari, Mahmud bin Umar (1407 A.H). *Kashshaf an Haqaeq Ghawamiz at-Tanzil*. Beirut: Dar al-Ketab al-Arabi.
- Zarkeshi, Muhammad bin Abd ol-Lah (1410 A.H). *Al-Borhan fi Ulum al-Qur'an*. 1st Ed., Beirut: Dar ol-Ma'rifah.
- Zarkoli, Khayr od-Din (1980). *Al-E'lam Qamus Tarajom le-Ashhar ar-Rijal van-Nisa' min al-Arab val-Mosta'rabin val-Mostashreqin*. 5th Ed., Dar al-Elm lel-Mollaiin.
- Zarqani, Muhammad Abd ol-Azim (1948). *Manahil al-Erfan fi Ulum al-Qur'an*. N.P: Dar Ehya' at-Turath al-Arabi.
- Zojaj, Abi Ishaq (1408 A.H). *Ma'ani al-Qur'an va E'rabah*. Researched by Abd ol-Jalil Abdah Shebelli, 1st Ed., N.P: Alam al-Ketab.